

معمای امام و امامت

این تحریر در رابطه با کشتار اخیر شیعیان در مراسم عاشورا است

امیرفیض - حقوقدان

مغز انسان ها به دنبال انبار کردن دانسته هاست و همین حساسیت فوق العاده و عادت مکانیکی مغز سبب میشود که شایعات، داستان ها و روایات را بدون تامل پذیرا شود، ولی وقتی مغز انسان رویدادی را ناظر بود مغز انسان به بینایی مسلح میشود و مانند انسانی که در تاریکی در مقابل خود شمعی را می بیند آنچه را که میبیند ثبت در مغز او میشود و اگر چیزی و یا باوری در مغز او تنیده شده باشد بطور طبیعی مغز آنها را از خود میراند.

باعرض این مقدمه که برای اخذ نتیجه از این تحریر میتواند کمک باشد اکنون باتفاق موضوع کشتار عده زیادی از شیعیان در کشورهای عراق و پاکستان و افغانستان در مراسم عزاداری ایام عاشورا را به تحلیل میاوریم و برای سهولت امر آنرا بصورت معادله، با استفاده از معلومات مشخص، مجهول آنرا بدست خواهیم آورد.

معلومات معادله

معلوم اول اینکه:

مذهب تشیع و بالطبع پیروان آن و از جمله همین کسانی که در فاجعه کشتار زائرین در کشورهای ذکر شده کشته شده اند عقیده راسخ و بدون تردید دارند که تمام ۱۲ امام و هریک از آنها انسان های فوق العاده و الهی هستند و واجد فضیلت و دانائی و موقعیت های خاصی میباشند که سایر بندگان خدا فاقد آن صفات و امتیازاتند.

از جمله امتیازات و فضیلت های انمه > یکی دانائی علوم ایشان است بعینه علمی که حق تعالی به حضرت رسول عطا کرده است بی تفاوت. دیگر وارد شده است که عمده علم ایشان علمی بوده که در هر آن و هر ساعت از دریای لامتناهی علم الهی برایشان فائز میشود. دیگر اینکه ملائکه و روح اعظم که از ملائکه هست در شب قدر بر امام علیه السلام نازل میشود و بران حضرت سلام میکند و آنچه از امور آن سال در آن شب مقرر و مقدر است بر او عرض میکنند.....

--- غیب گوئی و اینکه ایشان مردم را خبر میدهند از آنچه که اتفاق خواهد افتاد

--- وارد شده است که نامه ای نزد ایشان است که نامهای جمیع شیعیان اهل بیت تاروز قیامت در آن نوشته شده است و نیز نامه ای نزد ایشان است که نام دشمنان ایشان تاروز قیامت در آن نوشته شده....

ستون نور- وارد شده است که بین امام و حق تعالی عمودی از نور است که در آن عمود امام تمام احوال بندگان خدارامی بیند.....

(مواردی که در بالا اشاره شد بخشی از خصوصیات هریک از ۱۲ امام است که در معادله مطروحه در این تحریر بعنوان معلوم استفاده میشود و باید دانست که تشیع خصوصیات امام را خیلی، خیلی وسیع و اعجاب انگیز توصیف کرده است از جمله طی الارض و آن بدان معنی است که امام برای رفتن به شهرویا کشوری همین که اراده کنند زمین زیر پایشان میچرخد و نیازی به مصرف کفش ندارند.

ابرنشینی و بن بدان معنی است که حق تعالی ابر را مسخرایشان کرده است که بر آن سوار شوند و سیروسیاحت کنند

دائرة علم - و آن بدان معناست که هیچ محدودیتی بر علم ایشان نیست و زبان کلیه ملل و حیوانات رامیدانند و بسیاری خصوصیات دیگر که علاقمندان میتوانند به کتاب اثبات امامت انمه طاهرین صفحه ۱۹۴ ویاسنگراول اسفند ماه ۸۵ که منقول از همان کتاب است رجوع فرمایند.

معلوم دوم

معلوم دوم که در حل معادله، موضعی مهم دارد این است که تشیع و پیروان آن عقیده دارند > تا امام کسی را نطلبند شخص موفق به عزاداری و زیارت قبر امام نمیشود < تفسیر وارده بر آن این است که شیعه باید استغاثه زیارت قبر امام را بنماید اگر امام اجابت کرد آنوقت میطلبد که شیعه عزم سفر کند.

اکنون حل معادله

- ۱- کسانی که در فاجعه بغداد و پاکستان و افغانستان بوسیله آلهای انفجاری تکه تکه شده اند کسانی بوده اند که از امام رخصت خواسته و استغاثه ها کرده اند تا امام آنها را طبیبه و با قبول تنگناهای مالی و فروش محصولات و ذخائری که باید بمصرف زمستانشان برسد راهی زیارت قبر امام شده اند.
- ۲- امام دقیقا میدانسته که میهمانان (زائرین) چه کسانی هستند و بین آنها زن و کودک و پیرمرد جوان با قلبهانی مملو از اشتیاق زیارت و قبول نذورشان راهی عزاداری و یازیات شده اند.
- ۳- امام دقیقا میدانسته که چه کسانی در صدد عملیات انفجاری هستند و درستون نور میدیده که آنها در حال بمب سازی هستند و حتی از یکسال قبل در شب قدر ملانکه به او اطلاع داده بوده و میدانسته که آنها چه خیالاتی دارند و کاملا قادر بوده که یا آنها را از چنین تصمیمی منصرف کند و یا همانطور که موشکهای عراقی که به خارک شلیک میشد امام دوازدهم بادیست مبارکشان آن موشکها را در هوا گرفته و به زمین میگذاشتند امام حسین هم میتوانست بن بمبها را خنثی کند و یا چون علم و آگاهی داشت به دل پلیس میانداخت که قاصدین به جنایت رادستگیر کنند.

ولی امام محترم از ظرفیت علمی و قدرت الهی خود هیچ استفاده نکرد و ذل، ذل نگاه کرد که حدود ۲۰۰ نفر از میهمانانی که خود امام آنها را طبیبه بود قطعه قطعه شوند و کثیری هم بی دست و پادرخون خود بغلظند.

در تعریفی از انسانیت آمده است > کسی که خود را به خطری اندازد برای نجات یک جاندار، انسان واقعی است <

حال اگر امامی که میتواند براحته و حتی بدون تحمل خطر، فقط با ذره التفات، سبب نجات جان ۲۰۰ نفر از پیروان و شیفتگان و میهمانان خود بشود از این وظیفه و تکلیف انسانی خودداری کند به این امام چه نامی و صفتی اطلاق میشود؟

این جوابی است که شیعیان باید بدهند ولی قرار گرفتن در معادله، جواب روشنی دارد و آن این است.

اگر همه خصوصیات که شیعیان برای انمه قائلند درست و حقیقت باشد بنا بر شاهی که معادله دارد نمیتوان صفت انسان تا چه رسد به امام به آنها داد و اگر آنها دروغ و ریا و صحنه سازی باشد که دقیقا همین است لاجرم حل معادله به اینجا میرسد که؛

وقتی شرائط و مشخصات امام ، مفقود بود، اصل امامت و امام هم معدوم، و فلسفه تشیع هم موهوم میگردد

برای آگاهی از شرح حال امامان به پژوهشی ژرف در این آدرس نگاه کنید

<http://1400years.org/pdf&show/MoghadamehbarMazhabshieh.pdf>